

سفیر ترس و دلهره در تهران

۵ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۹

در آبان ماه ۱۳۴۴ آگاتا کریستی، نویسنده داستانهای جنایی به تهران سفر کرده و با مجله اطلاعات بانوان مصاحبه ای داشته است.

مصاحبه اختصاصی خیر نگار ما با برجسته ترین بانوی نویسنده که با ایران آمده است

سفیر ترس و دلهره در تهران!

بزرگترین بانوی نویسنده داستانهای پلیسی که بیش از هر کس مرتکب جرم و جنایت شده است، از آزدن بچه‌ها وحشت دارد!

- چرا این نویسنده بزرگ فقط از سم برای کشتن قهرمانان خود استفاده میکند؟
- چگونه این زن ۶۰ سال است بکار نویسندگی ادامه داده است؟
- آیا خالق صحنه‌های هراس‌انگیز، از قهرمانان خود میترسد؟

از بری باصلتی



ورج باعداد یکنه گذشته در موسسه ایران شناسایی می‌شود. چند دقیقه‌ای زودتر از ساعت ملاقات، در آنجا حضور یافتیم. نیمی از وقت را خوردیم با این زن چگونه خواهد بود. در تمام لحظات، درباره صحنه‌های هراس‌انگیز، سسهای مرگ آور، صحنه‌های ترسناک و اشیاء وحشت‌انگیزی که این زن و این زن رابطه‌ای ایجاد کرده بود، می‌پنداریدیم. محیطی که من در آن می‌رسیدم، آرام بود و سکوت دلچسپی بر آن سایه افکنده بود. اترام راننده‌های کتاب پوشانده بود. اما می‌دانم چرا هر لحظه در انتظار صدای هولناک، قتل عجیب و یا فریاد وحشت‌انگیزی بودم. وقتی دختر جوانی نظریتی مرا صدا کرد که ۱۴ سال این زن بود، صحنه‌های رنگارنگی در برابرم تجسم یافت. سرانجام، پشت در آن اورسیدم و با تیریه آرامی که در گوشه ورود خود را با اطلاع دادم. زن منی که گسوی سفید بر چهره‌اش اینت فراوانی پخشیده بود، روی میز نشسته بود. نویسی تیره رنگی بر داشت و یک سنجاق سینه و یک رشته مروارید برای تزئین آن نگار رفته بود. از پشت عینکهای ژرف زده‌یش با تو چشم درشت آن زن مرا برانداز میکرد. دو مطالبش نشستم. رویای ترس، باورچین باورچین از دل می‌گذشت. سر صحبت را با او گشودم... این زن آگاتا کریستی بزرگترین نویسنده داستانهای پلیسی دنیا بود. زنی که گویی رشته‌های زندگی او را با مرگ جنایت، سمه، دشمنی و هفت‌تیر بیوند داده است.

● ۶۰ سال نویسنده‌گی

آگاتا کریستی زن ۷۵ ساله‌ای است که نویسنده‌گی را از ۱۰ سال پیش، در زمانی که ۱۵ سال بیشتر نداشته، شروع کرده است. تاکنون متجاوز از صد داستان کوتاه، ۶۰ کتاب، تعدادی نمایشنامه نوشته است. چند نمایشنامه او بصورت فیلم باکارت درآمده است. همه کسانی که با کتاب و مجله سروکار دارند با نوشته‌های او آشنا هستند و شاید از نمایش فیلم پلیسی معروف و هیجان‌انگیز «شاهد برای تعقیب» که از روی یک کار آزاد او تهیه شده است، لذت بردند.

آگاتا کریستی در حدود ۲۳ سال است که ازدواج کرده و لیره این ازدواج یک دختر است که فعلاً با شوهرش در لندن زندگی میکند. این نویسنده انگلیسی همواره با شوهر باستان شناسش تاکنون با اغلب کشورهای دنیا مسافرت کرده و این شناسن مرثیه است که با ایران آمده است. او در نزدیکی شهر اسکسپورت در انگلیس زندگی میکند و برعکس آنچه من متصور می‌شدم، بطوریکه می‌گفت، خانه‌اش شیوه ساده اروپایی آراسته شده است. در این خانه هیچگونه احساس ترس، وحشت یا نمان دست نمی‌دهد. بلکه محیط آرامی و صفا آ...

و چهارچوب داستان را در ذهن می‌ریزم. آغاز و پایان و سر-نویسنده قهرمانان را در ذهن می‌پرورانم و بعد، بروی کاغذ می‌آورم. باین جهت، از ابتدا بخوبی میدانم که داستانم چگونه پیشرفت میکند و به پایان می‌رسد.

● عشق بنویسنده‌گی

در پاسخ این سوال که بچه‌ها تربیت شود شوق خود را برای نوشتن حفظ میکند و انگیزه‌اش در کار نوشتن چیست، گفت: - فقط عشق بنویسنده‌گی... وقتی در صدد نوشتن کتاب نازمی درمی‌آورم، شور و هیجان نازمی را در خود احساس می‌کنم و این شور و هیجان نابایار آن کتاب که نوشتن آن بین ۳ تا ۱۱ ماه طول میکشد، در وجودم موج می‌زند.

پرسیدم: آیا خودتان از صحنه‌های وحشت آوری که در داستانهایتان ایجاد میکنید، هیجولت دچار هراس نمیشوید؟ قیافه جدی تری بخود گرفت و با قاطعیت گفت: - ممکن است دیگران تحت تأثیر این صحنه‌ها قرار بگیرند و حتی با تلقین نتوانند رورکنند که این صحنه‌ها ساخته فکر و خیال است، اما من که اثر بنده این صحنه‌ها هستم، طبیعی است که از آن تعبیر کنم.

پرسیدم: آیا به «پایان خوش» برای داستانهایتان معتقدید و خودتان آن بروی می‌کنید؟ گفت: - ممکن است ناشران کتاب و یا دسته‌ای از خوانندگان به پایان خوش معتقد باشند، اما بنظر من، برای یک داستان پلیسی که با آدم‌کشی و جنایت تمام میشود، پایان خوش مفهوم ندارد.

● جواب این سوال که چه

صحنه‌ها و محیط‌هایی را بیشتر برای انجام یک جنایت در داستان خود در نظر می‌گیرید. خاتم آگاتا کریستی گفت: - این سبکی بنوع داستان دارد. بنظر من، هواپیما، هتل، کشتی، اتوبوس، بیمارستان، راهروی زیر زمینی، اتاق مهمانخانه، خیابان، کتابخانه، گوشه آشپزخانه، جاهای مناسب برای انجام قتل است.

پرسیدم: بیشتر از چه وسیله‌های برای کشتن استفاده میکنید؟ نگاهش را بجهانم دوخت و بعد گفت: - سم... سم‌های مرگ آور رنگارنگ! بدون درنگ دلیلش را بررسیدم و او گفت: - دو علت دارد: یکی اینکه چون در زمان جنگ در بیمارستان کار میکردم و پرستار بودم، بخوبی با انواع سم‌ها و تأثیر هرسم روی افراد آگاه هستم و باین جهت، بخوبی میدانم که هرسمی رایجه میزان باید مورد استفاده قرار داد و بعد از مصرف بقیه در صفحه ۷۷

اطلاعات بانوان

نژادهای را خلق کند. نوشتن داستانهای زندگی افرادی که مرتکب جرم و جنایت شده‌اند از وقایعی که در اطرافمان روی میدهد، در جای خود هنر یا ارزشی است، اما کار نازم نیست.

من بجزات می‌گویم که هرگز یکی از شخصیت‌های داستانم نیز وجود خارجی نداشته و هیچوقت صحنه‌ای که در کتابهایم مجسم کرده‌ام مطابق صحنه‌ای که قبلاً دیده و یا درجالی خوانده باشم، نبوده است.

من از نیروی تخیل و قدرت آفرینش خود برای نوشتن داستانهایم الهام می‌گیرم و شخصیت‌ها و صحنه‌هایی که ترس و وحشت بدلبا می‌کنند، همه از ایده خیالی من است.

پرسیدم: آیا از آغاز میدانید داستانتان چه بابائی خواهد داشت و یا در خلال نوشتن یک داستان صحنه‌های آن را و یا پایان آنرا تفسیر میدهید؟ عینک زده‌یش را را کمی جابجا کرد و گفت: - داستانهای من روی بلندتر

تعقی و تکرر، سرسری می‌گذراند و چه‌بسا افرادی که باک مطلب نادی را چنان باورنکردنی و تعقی می‌خوانند که کتاب لذت‌بخش‌تری دستگیرشان شود. اما خوب است که خوانندگان داستان‌های پلیسی نه فقط داستانهای پلیسی من، بیشتر افراد تحصیل کرده، با مطالعه سامه از پیر و جوان هستند و شک نیست که این نوع داستانها، بیش از سایر داستانها خواننده را بشکر و امیدارد.

در جواب این سوال که آیا داستانهای پلیسی را میتوان رشته‌ای از ادبیات بشمار آورد، آگاتا کریستی اظهار داشت: - بنظر من، یکی از رشته‌های قدیمی ادبیات، داستانهای پلیسی است.

از نویسنده داستانهای پلیسی پرسیدم: در پرداختن به داستانهای پلیسی خود تا چه اندازه از نیروی تخیل و تاجه‌اندازه از صحنه‌های واقعی زندگی الهام می‌گیرید؟ گفت: - هنر نویسندگی در این است که نویسنده ادبیات تازماری را برورش دهد و شخصیت‌های

● شیوه نویسندگی

بگذار آشنای بیشتر با این بانوی نویسنده، پرسیدم: چگونه شد که در میان شیوه‌های مختلف نویسندگی، بنویسن داستانهای پلیسی پرداختید؟ لیخندی زد و گفت: - عجیب است که همه مرا فقط بعنوان یک نویسنده داستانهای پلیسی می‌شناسند، درحالی‌که من متجاوز از ۴۰ نمایشنامه و چندین کتاب عشقی یا تاریخی (و بهر حال غیرپلیسی) نوشته‌ام. من هرگز فقط با شیوه رابری نویسنده‌گی انتخاب نکرده‌ام... و این هم باکرتنه از کارهای من است. اما علاقه مردم به داستانهای پلیسی باعث شده است که مرا فقط بعنوان یک نویسنده داستانهای پلیسی می‌شناسند.

پرسیدم: آیا بنظر شما داستانهای پلیسی، گذشته از جنبه سرگرمی، تأثیر دیگری هم دارند؟ جواب داد: - این سبکی بطرز فکر خوانندگان کتاب دارد. چه‌بسا افرادی که از یک کتاب قابل

